

ناگهان شعر



قیصر امین پور

شب عبور شمارا شهاب لازم نیست
که با حضور شما آفتاب لازم نیست

در این چمن که گل‌های برگزیده پر است
برای چیدن گل، انتخاب لازم نیست

خیال دار تو را خصم از چه می‌یابد؟
گلوی شوق که باشد طناب لازم نیست

ز بس که گریه نکر دم غرور بغض شکست
برای غسل دل مرده، آب لازم نیست

کجاست جای تو؟ از آفتاب می‌پرسم

سوال روشن ما را جواب لازم نیست

ز پشت پنجره بر خیز تا به کوچه رویم
برای دیدن تصویر، قاب لازم نیست



محمد علی بهمنی

تا تو هستی و غزل هست، دلم تنها نیست
محر می‌چون تو هنوزم به چنین دنیا نیست

از تو تا ما سخن عشق همان است که رفت
که در این وصف زبان دگری گویا نیست

بعد تو قول و غزل هاست جهان را، اما

غزل توست که در قولی از آن مان نیست

تو چه رازی که به هر شیوه تو را می‌جویم
تازه می‌یابم و باز اثری پیدا نیست

شب که آرام‌تر از پلک، تو را می‌بندم
در دلم طاقت دیدار تو تا فر دانیست

این که پیوست به هر رود که دریا باشد
از تو گر موج نگیرد به خدا دریا نیست

من نه آنم که به توصیف خطا بنشینم
این تو هستی که سزاوار تو باز این‌ها نیست



محمد سلمانی

ببین در سطر سطر صفحه‌ی فالی که می‌بینم
تو هم پایان تلخی‌داری‌ای آغاز شیرینم

ببین در فال "حافظ" خواج‌ه باندوه می‌گوید:
که من هم انتهای راه را تاریک می‌بینم

تو حالا هر چه می‌خواهی بگو حتی خرافاتی
برای من که تأثیری ندارد، هر چه‌ام اینم

چنان دشواری می‌دانم شب کوچ‌نگاه‌ت را

که از آغاز، پایان تو را در حال تمرینم

نه! تو آئینه‌ای در دست مردان توانگر باش
که من درویشی از دنیای کشکول و تبر زینم

در آن سوسودسرشار و در این سوحافظ و سعدی
تو و سودای شیرینت، من و یاران دیرینم

بروبگذار شاعر را به حال خویشتن ماند
چه فرقی می‌کند بعد از تو شادمانی که غمگینم

پس از تو حرفایت را بگوش سنگ‌خواهم گفت
تو خواهی بعد از این دیوانه‌خوانی یا خبر چینم

غلط نویسیم

اخلاف/اسلاف

اخلاف جمع «خلف» به معنی فرزندان باز ماندگان است

اسلاف [ʾaslaɪf] جمع «سلف» به معنی گذشتگان، پیشینیان است.

در انهدام یادگارهای زیبای اسلاف به جهد تمام کوشیده‌اند.

ادعیه

این کلمه جمع «دعا» است و تلفظ درست آن [ad iye] است برخی به اشتباه آن را [adiyye] تلفظ می‌کنند.

ارابه/عرابه

ارابه: واژه‌ای فارسی و به معنی گردونه و گاری است و «عرابه» معرب آن است. در فارسی فصیح بهتر است آن «ارابه» بنویسیم.

بر گرفته از کتاب «فرهنگ درست نویسی سخن»- تألیف استاد حسن انوری

درخشش‌های «سووشون» پس از نیم‌قرن

به مناسبت دوازدهمین سالروز درگذشت سیمین دانشور، نویسنده بزرگ معاصر از محبوبیت ماندگارمان مهم و تأثیرگذار «سووشون» که برای اولین بار در سال ۱۳۴۸ منتشر شد، نوشته‌ایم



■ انتشار بیش از ۶۰ مقاله پژوهشی درباره «سووشون»

وقتی از تأثیرگذاری رمان «سووشون» در ادبیات معاصر ایران می‌گوییم، یعنی این اثر زوایای مختلفی برای بررسی داشته‌است که پژوهشگران ادبیات فارسی در بیش از ۶۰ مقاله پژوهشی به آن پرداخته‌اند. «سووشون» هنوز هم در دانشکده‌های ادبیات و نشریات ادبی جای بحث و گفت‌وگو و کار پژوهشی دارد. برای نمونه به عناوین تعدادی از مقالاتی که درباره کتاب سیمین دانشور نوشته شده‌اند، اشاره می‌کنیم: ژنالیسم انتقادی در سووشون، جنبه‌های نمادین رمان سووشون، عامل زمان در رمان سووشون، مدینه فاضله در سووشون، رویکرد اصالت زن در سووشون، بررسی کهن الگوگرایانه «درخت» در رمان سووشون، تحلیل رمان سووشون از منظر عناصر حماسی، باورها و عناصر ادبیات عامه در رمان سووشون، اسطوره مرگ و باززایی در سووشون و کلیدر، تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون، بررسی بن‌مایه‌های تعلیمی و اخلاقی رمان سووشون، تحلیل نشانه-معناشناختی رمان سووشون بر مبنای مکتب پاریس، بررسی تحلیل ساختاری رمان سووشون بر اساس نظریه برمون و ... علاوه بر این، پایان‌نامه‌های متعددی هم درباره رمان «سووشون» نوشته شده‌اند.

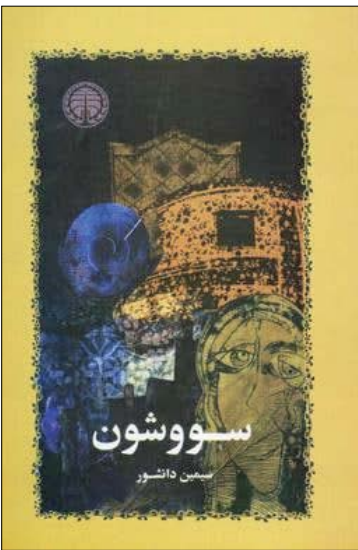
■ یادای قصه‌سازی‌های جلال و تأثیرش در «سووشون»

سیمین دانشور در مصاحبه با «هنر و ادبیات امروز» درباره کمک‌هایی که او و جلال آل احمد در زمینه نویسندگی به یکدیگر انجام می‌دادند، می‌گوید: «گذشته از خواندن نوشته‌های هم و ابراز عقیده، بچگانه به نظر می‌رسد، اما مثلاً یکی از کارهای ما این بود که در مواقع پیاده‌روی هر عابری را که از دور می‌دیدیم، جلال می‌گفت سیمین تو قصه او را برایت بگو. من می‌گفتم و بعد جلال قصه او را می‌ساخت و از تفاوت ساخت جلال و من، هر دومان حیرت می‌کردیم.

جلال بیشتر بُعد سیاسی را در نظر می‌گرفت و من بُعد عاطفی و اجتماعی. گفتم که هر چه می‌نوشتیم به هم نشان می‌دادیم، اما اصولاً من نمی‌گذاشتم جلال دست توی کارم ببرد. به حد کافی از سبک جلال تقلید می‌کردند من دیگر نمی‌خواستم مقلد جلال باشم.»

به گفته سیمین دانشور، سووشون پیش از مرگ جلال نوشته و چاپ هم شده بود، اما جلال آن را ندید. دانشور سووشون را با این جملات آغاز کرده است: «تقدیم به دوست که جلال زندگی‌ام بود و در سوگش به سووشون ننشسته‌ام.»

■ آغازگر فصلی تازه در تاریخ داستان‌نویسی ۵۴سال از زمان انتشار «سووشون» می‌گذردو این رمان هنوز هم تجدید چاپ می‌شود. جالب این که مهم‌ترین رمان سیمین دانشور به حدود ۲۰ زبان خارجی ترجمه شده‌است. تا به حال شمار زیادی از صاحب‌نظران ایرانی درباره «سووشون» گفته و نوشته‌اند. از جمله آن‌ها حسن میرعابدینی، نویسنده و منتقد معاصر در کتاب «صدسال داستان‌نویسی در ایران» می‌نویسد: «سووشون نوشته سیمین دانشور آغازگر فصلی تازه در تاریخ داستان‌نویسی ایران به شمار می‌آید. دانشور در این داستان پرحرکت و ماجرا، با نثری شاعرانه، دقیق و محکم، تصویری درونی و هنرمندانه از تحولات منطقه فارس در سال‌های جنگ دوم جهانی به دست می‌دهد. شخصیت‌های رمان با قدرت مشاهده درخشانی ترسیم شده‌اند؛ آن‌قدر مشخص که هر یک روحیه و عملکرد گروه اجتماعی معینی را مجسم می‌کنند. البته هیچ یک از آنان در حد تیپ نمی‌مانند، همه‌شان فردیتی خاص دارند و به‌آسانی از یکدیگر تمیز داده می‌شوند. فکر اصلی رمان، پرداختن به انسان مبارز است. سووشون را رمانی رمزی سیاسی دانسته‌اند که از دو لایه تشکیل شده است. در لایه ظاهری، مجموعه حوادثی که برزری و خانواده او در محدوده نیمه اول سال ۱۳۲۲ را شاهدیم. زری می‌خواهد در داخل کشور ایران کشور خاص خود را از آشوب و مرض و قحطی و مرگ حفظ کند اما سرانجام جنگ و دیگر بلاهای آن سال‌ها به خانه او راه می‌یابند. از همین شرح کوتاه‌می‌توان لایه درونی بارمزی سووشون را دید، مثلاً مابه‌ازای خانه همه ایران است و مابه‌ازای زری، زن به‌طور کلی. ویوسف نماینده یک قشر روشنفکر این مملکت است و خلاصه آن‌که چه بر این خانه و خانواده می‌رود بر همه کشور مارتفه‌است.»



برگزاری رویداد کودک وشاهنامه



پاسخگوی ادبی با این کودکان و نوجوانان به شکل مستمر در ارتباط خواهند بود و با هم نامه نگاری خواهند داشت.

این کارشناس ادبی ادامه داد: واحد مکاتبه‌ای کانون پرورش فکری تا کنون شاعران و نویسندگان بسیاری را به جامعه ادبی خراسان معرفی کرده و امید است با معرفی هرچه گسترده‌تر، پذیرای کودکان و نوجوانان اهل ادب بیشتری باشد که چراغ ادبیات باشکوه خراسان را روشن نگه دارند. وی تصریح کرد: در رویداد کودک و شاهنامه امسال، روزانه ۸۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر از مدارس ابتدایی منطقه تبادکان در دو نوبت صبح و عصر شرکت و مخاطب مربیان کانون در بخش قصه‌گویی از داستان‌های شاهنامه فردوسی بودند. اجرای نمایش و نقالی هفت خان رستم، همچنین فعالیت‌های فرهنگی، ادبی و هنری که با همراهی مربیان در غرفه‌های مختلف این سالن انجام می‌شود از دیگر برنامه‌های این رویداد است.

</